

دولت تازه نفس و در تراز انقلاب اسلامی

عباس حاجی نجاری

مقدمه

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه ای (مدظله العالی) در سخنرانی تلویزیونی خود به مناسبت عید سعید قربان (۱۳۹۹/۵/۱۰) با تأکید بر اینکه ایران عزیز با صبر و ثبات و تلاش بیشتر مسئولان برای حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و استفاده هرچه بیشتر از ظرفیتهای داخلی، به راه روشن خود ادامه خواهد داد، با اشاره به عملکرد دولت کنونی یادآور شدند: «این دولت در اواخر دوران مسئولیت خودش است؛ در این هفت سال کارهایی انجام داده‌اند و هر چه توانستند تلاش کرده‌اند؛ بعد هم ان شاء الله دولت تازه نفس دیگری می‌آید و امیدواریم که ان شاء الله کارها را با یک جدیت بیشتری دنبال بکنند. بعضی از بخشهای دولت در این مدت هم واقعاً خوب کار کردند؛ حالا نسبت به همه‌ی این بخشها نمیشود این را گفت اما در بعضی از بخشها واقعاً کارهای خوبی انجام گرفته. بنابراین بحول الله و قوته، ان شاء الله ما کارها را ادامه میدهیم، راه را پیش میبریم و ملت ایران پیروز خواهد شد.»

در ۲۴ بهمن ماه سال ۱۳۹۷ و در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی رهبر معظم انقلاب اسلامی با انتشار بیانیه گام دوم انقلاب، ضمن تبیین ویژگی‌های مسیر پرافتخار پیموده شده در چهل سال گذشته و برکات خیره‌کننده انقلاب اسلامی در رساندن ایران عزیز به جایگاه شایسته ملت، به ترسیم نقشه راه کشور در گام دوم برای تحقق آرمان‌های انقلاب پرداخته و با تأکید بر امید واقع‌بینانه به آینده و نقش بی‌بدیل جوانان در برداشتن گام بزرگ دوم به سمت آرمان‌ها، یادآور شدند: «انقلاب «وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی شده است». گام دومی که باید در چارچوب «نظریه نظام انقلابی» و با تلاش و مجاهدت «جوانان ایران اسلامی» به سوی تحقق آرمان «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه)» برداشته شود.

استمرار انقلاب در این گام، سرلوحه مطالبه رهبری است، آن گونه که می‌فرمایند: «مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کاربندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.»

بحث ضرورت تشکیل یک دولت انقلابی و کارآمد در ایران اسلامی طی سالهای اخیر و با توجه به پیچیده تر شدن راهبردهای دشمنان، روز به روز جدی تر می شود. اکنون که ۱۸ ماه از صدور بیانیه گام دوم می گذرد و مردم ایران در طی این ایام با تحمل فشارها و تحریم های بیگانگان از یکسو ضعف و ناکارآمدی بعضی از دستگاه‌های اجرایی، اگر چه صلابت و اقتدار خود را در

برابرتهدیدات گسترده و متنوع دشمنان حفظ کرده اند، اما این به معنی آن نیست که این شرایط سرنوشت محتوم مردم ایران است، چرا که قابلیت‌های ایران در عرصه دفاعی، پیشرفت‌های علمی و... بیانگر آن است که در صورت شکل گیری یک دولت انقلابی و کارآمد در کنار قوا و نهادهای نظام، به‌رغم فشارها و تحریم‌های دشمن، مشکلات کشور نه تنها قابل حل است، بلکه آشکار شدن توانمندی و قابلیت‌های کشور، عامل شکست خط تحریم و تحریف دشمنان بیرونی و سرپلهای داخلی آنها خواهد بود. بررسی ابعاد دولت تازه نفس تراز بیانیه گام دوم انقلاب موضوع این نوشتار است.

دولت اسلامی سومین مرحله در تحقق اهداف انقلاب

دولت مقتدر و توانمند در ساختار نظام اسلامی و تحقق مراحل انقلاب اسلامی جایگاه ویژه ای دارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات متعدد خود در سالهای اخیر فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی را در پنج مرحله زیر یعنی:

۱. انقلاب اسلامی؛ ۲. تشکیل نظام اسلامی؛ ۳. تشکیل دولت اسلامی؛ ۴. تشکیل کشور اسلامی؛ ۵. تشکیل دنیای (امت، تمدن) اسلامی؛ دانسته و با اشاره به اینکه مردم و مسئولان کشور با تلاش‌ها و مجاهدت‌های خود در گام‌های اول و دوم، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی موفق عمل کرده، اما اقدامات صورت گرفته در مرحله تشکیل دولت اسلامی را ناکافی بوده و معظم له معتقدند که به علل مختلف، هنوز دولت اسلامی به معنای واقعی آن تحقق نیافته است و همین امر سبب گردیده که تحقق مراحل چهارم و پنجم، یعنی «ایجاد کشور اسلامی» و تشکیل دنیای (امت، تمدن) اسلامی؛ منوط به تلاش و ممارست بیشتر و البته تحقق کامل دولت اسلامی باشد. ایشان تأکید می‌فرمایند: «اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آنگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد، عدالت مستقر خواهد شد، تبعیض از بین خواهد رفت، فقر به تدریج ریشه کن می‌شود، عزت حقیقی برای مردم بوجود می‌آید، جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقاء پیدا می‌کند، این می‌شود کشور اسلامی» بر طبق دیدگاه مقام معظم رهبری اگر توانستیم مرحله ایجاد کشور اسلامی را به سلامت طی کنیم، آن-گاه مرحله بعدی ایجاد دنیای اسلام است. به این ترتیب مرحله نهایی انقلاب و در حقیقت تحقق آرمانی‌ترین شعار انقلاب، «ایجاد دنیای اسلام» و دستیابی به تمدن عظیم اسلامی خواهد بود: «از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی [تمدن اسلامی] درست کرد، الگو که درست شد، نظایرش در دنیا درست خواهد شد». مبتنی بر رهنمودهای رهبری در این زمینه چنین استنباط می‌شود که:

۱. دولت اسلامی، دولتی است که مسئولین آن از حداکثر معیارها و شاخصه‌های اخلاقی و رفتاری یک مسلمان واقعی برخوردار باشند.

۲. دولت اسلامی‌یی که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آنها داشت تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد، و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است.

۳- دارا بودن روحیات انقلابی و کار جهادی سبب خواهد شد که دولت بتواند از حداقل امکانات بیشترین بهره‌وری را برای حل مشکلات جامعه داشته باشد

۴. در دولت باید روح زندگی علوی (ع)- یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا زنده باشد

۵. علاوه بر قوه مجریه و قوای مقننه و قضائیه و مسئولان گوناگون دیگر کشور نیز باید بتوانند تا حد قابل قبولی خود را با این قالبها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند.

۶. شکل گیری یک دولت کارآمد و نتیجه تلاشهای آن در حل مشکلات مردم، علاوه بر افزایش سرمایه اجتماعی نظام و تقویت همبستگی ملی، تحقق گامهای بعد انقلاب را محقق خواهد کرد

ملاک‌های انتخاب دولت‌مردان در تراز گام دوم انقلاب

آنچه در طی ماه‌های اخیر و در پی تشدید فشار همه‌جانبه اقتصادی و جنگ نرم و عملیات روانی دشمن اهمیت یافته و تحقق دولت تراز اسلامی را الزامی‌تر می‌کند، هدف‌گذاری دشمنان در ناکارآمد سازی و یا ناکارآمد نمایی نظام جمهوری اسلامی و ایجاد فاصله میان مردم با نظام است تا از این طریق به اهداف خود در براندازی و یا تسلیم و به سازش کشاندن نظام دست یابند. تلاش در رفع مشکلات معیشتی مردم و رفع آسیب‌ها و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی که از بستر یک دولت توانمند و پرتلاش امکان‌پذیر است، در عین تحکیم و تقویت اعتماد ملی و افزایش سرمایه اجتماعی نظام، مؤثرترین اقدام در شکست راهبرد دشمنان خواهد بود.

نکته دیگری که اهمیت شکل‌گیری دولت تراز اسلامی را در این شرایط الزامی‌تر می‌کند، دستاوردهای کشور در عرصه دفاعی و امنیتی و حتی رونق اقتصادی پس از برداشتن گام‌های نخستین در اجرای استراتژی مقاومت فعال است. تحولات اخیر در عرصه دفاعی امنیتی که اقتدار دفاعی و قدرت بازدارندگی نظام را بر دشمنان تحمیل و تراز نظام اسلامی را در جهان ارتقاء داد و دستاوردهای شیرینی را در تحکیم اقتدار ملی و ایجاد انسجام اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی نظام به ارمغان آورد، گواه دیگر بر امکان‌پذیری تحقق دولت تراز اسلامی و پیشرفت کشور در سایر عرصه‌هاست.

اما ملاک‌هایی که در انتخاب دولتمردان مبتنی بر مبانی دین مبین اسلام، قانون اساسی و رهنمودهای امامین انقلاب باید مورد ملاحظه قرار گیرند عبارتند از:

۱. تقوای الهی: یکی از ریشه‌های مشکلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور، کاهش تقوای الهی در بین کارگزاران نظام، از جمله قوه مجریه است. تقوا نیرویی درونی است که انسان را از همه آفات و معاصی نگه می‌دارد و او را در برابر لغزش‌ها محکم و استوار می‌سازد. تقوا در همه شئون زندگی، به‌ویژه مسائل سیاسی و اداری جامعه، بسیار کارساز است و دولت‌مردی که از آن برخوردار باشد، در مقابل لغزش‌هایی چون، خیانت به نظام و مردم، دست‌اندازی به بیت‌المال، رشوه‌خواری، کم‌کاری و بی‌توجهی و اموری از این دست، مقاوم خواهد بود. این آفت که به شدت کارگزاران و دولت‌مردان را تهدید می‌کند، مانع تحقق دولت اسلامی است و باتوجه به اهمیت آن باید دقت شود کارگزاران نظام اسلامی به‌گونه‌ای برگزیده شوند که بر اثر تربیت‌های دینی با بی‌اعتنایی به دنیا در پی انجام وظایف محوله باشند. تأمل و دقت در این زمینه، امکان نفوذ در سطح مدیران و کارگزاران را کاهش می‌دهد

۲. عدالت توأم با معنویت و عقلانیت: یکی دیگر از ملاک‌های اساسی انتخاب دولت‌مردان دولت تراز گام دوم انقلاب، برخورداری بودن از عدالت توأم با معنویت و عقلانیت و انقلابی است. در طول چهار دهه گذشته از عمر انقلاب به سبب بروز یک‌سری انحرافات فکری و اخلاقی، رسوخ اشرافی‌گری و عافیت‌طلبی و کندروی و تندروی، روی آوری دولت‌مردان به سیاست‌های اقتصادی رشدمحور و اولویت‌یابی توسعه (اقتصادی یا سیاسی) بر عدالت اجتماعی، همچنین، نفوذ کارگزاران تکنوکرات که فن‌سالاری را بر ارزش‌محوری مقدم می‌دارند، بازنگری در ملاک‌های انتخاب کارگزاران را ضرورت بخشیده است؛ در صورتی که پس از پایان جنگ تحمیلی ویژگی عدالت‌محوری توأم با معنویت و عقلانیت، ملاک عمل در انتخاب کارگزاران قرار می‌گرفت. تا کنون با مشکلاتی این‌چنینی مواجه نبودیم، این درحالی است که با شکل‌گیری جریان سازندگی که توسعه اقتصادی را بر عدالت مقدم داشت و سپس جریان اصلاحات که توسعه سیاسی را بر عدالت و اقتصاد تقدم بخشید و نیز دوره احمدی‌نژاد که عدالت را با معنویت و

عقلانیت توأم نکرد، دوره اعتدال نیز شرایط دو دوره سازندگی و اصلاحات را در پیش گرفت که باعث شد تا در هریک از این چهار دوره، عدالت، معنویت و عقلانیت به نوعی فدای یکدیگر شوند و از این رهگذر دولت اسلامی مدنظر امام و رهبری شکل نگیرد و در عین حال جامعه با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شود؛ از جمله سیاست‌های رشدمحور که باعث افزایش فاصله طبقاتی، اجرای خصوصی‌سازی به تضییع بیت‌المال و تحقق بی‌عدالتی شد و نیز نداشتن نظارت و سامان‌دهی نظام بانکی که منجر به رانت‌خواری و واگذاری وام‌های کلان بدون بازگشت و گسترش بی‌عدالتی پولی، پیگیری نکردن نظام شفاف‌سازی در زمینه‌های پولی و مالی، گمرکی، استخدامی، زمین و املاک و ... که منجر به دریافت حقوق‌های نجومی، آفت چندشغلی، فرار مالیاتی، سوءاستفاده در زمینه واردات و صادرات کالا، برخورداری از ثروت‌های هنگفت، زمین‌خواری و اموری از این قبیل شده که همه به بی‌عدالتی در جامعه دامن زده است.

۳. حفظ و تقویت فرهنگ اسلامی: با بررسی اصول و مبانی اسلام، قانون اساسی و رهنمودهای امامین انقلاب می‌توان گفت رویکرد کلان دولت اسلامی، فرهنگی است و وظیفه دولت اسلامی در برپایی شعائر، احکام اسلامی، اجرای حدود الهی و تعلیم و تربیت نمود پیدا می‌کند. با نگاهی به عملکرد دولت‌های شکل گرفته در طول سال‌های پس از انقلاب، آنچه در میان همه آنها وجه اشتراک داشت، بی‌توجهی و اهتمام لازم نداشتن به فرهنگ جامعه بوده است. اتخاذ این رویکرد ریشه در غفلت از مبانی و اصول اسلام درباره اهمیت موضوع فرهنگ و همچنین توجه به مسائل اقتصادی به عنوان دغدغه مشترک تمامی دولت‌ها دارد. این توجه صرف به مسائل اقتصادی باعث شد موضوع مهم فرهنگ مغفول ماند و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب در این عرصه در طول سال‌های بعد از انقلاب صورت نگیرد. به همین دلیل در سالهای اخیر به دلیل برخی از سیاست‌گذاری‌ها، شاهد فاصله گرفتن از فرهنگ اسلامی و انقلابی در جامعه هستیم و آفت‌هایی چون اشرافی‌گری، عافیت‌طلبی، ارزش‌گریزی و کم‌توجهی به ظرفیت‌های درونی گریبان‌گیر جامعه شده است. ضرورت رفع این معضلات و آفت‌ها در کنار ویژگی فرهنگ‌محوری دولت اسلامی اقتضاء می‌کند که دولت در تراز گام دوم انقلاب، به فرهنگ و ابعاد مختلف آن توجه لازم را داشته باشد و در سایه این اصل حاکم بر نظام اسلامی به اقدامات دیگر از جمله اقتصاد بپردازد.

۴. روحیه جهادی و خدمت‌گزاری بی‌منت: در شرایط تشدید تحریم‌های دشمن و درحالی‌که مردم به این دلیل و البته ضعفها و ناکارآمدی‌های مسئولین از مشکلات معیشتی رنج می‌برند، تنها روحیه جهادی می‌تواند به مدد حل این شرایط بیاید و رئیس‌جمهوری در این عرصه موفق است که از روحیه جهادی به شکلی مجاهدانه بهره گیرد و در عرصه تلاش و کوشش گام بردارد و به همراه بدنه دولت به خدمت‌گزاری بی‌منت اقدام بورزد. آفت اصلی و تهدید کننده این شاخصه رشد نجومی بگیری در میان دولتمردان در سالهای اخیر است، که خود به چالشی برای نظام تبدیل شده است.

۵. ساده زیست و برخوردار از روحیه انقلابی: برخورداری از روحیه انقلابی یکی از ضرورت‌های گام دوم انقلاب است، ضرورتی که مقام معظم رهبری نیز در سال‌های اخیر بارها بر آن تأکید کرده‌اند. از منظر رهبری روحیه انقلابی، خود ویژگی‌هایی چون ایستادگی و ثبات در اصول انقلاب اسلامی و پاسداری از آن، پاک‌دستی و ساده‌زیستی، عدالت‌خواهی، استکبار ستیزی و مرزبندی با دشمن، دفاع از اقتدار و امنیت ملی، اعتماد به مردم و صداقت، شجاعت در اقدام و آمادگی برای ایثار، برخورداری از سلامت اخلاقی و فکری و مبارزه با فقر، فساد و تبعیض را در پی دارد.

۶. ولایت‌مداری: در حکومت اسلامی که ولی فقیه محور جامعه و رهبری آن را بر عهده دارد، تمامی مسئولان و دولتمردان همانند توده‌های مردم بایستی تحت رهبری ولی فقیه، ولایت‌پذیر بوده و در این مسیر گام بردارند و از هرگونه رفتار و عملکردی که نفی‌کننده ولایت‌پذیری باشد، بپرهیزند. ضرورت این مهم در مقام رئیس دولت اسلامی که اداره امور اجرایی کشور را به عهده

دارد، دوچندان است. بررسی عملکردهای دولتهایی که از ابتدای انقلاب روی کار آمده‌اند، نشان می‌دهد که همه آن‌ها ضمن اینکه عملکرد مثبتی دارند و خدمات ارزشمندی را در حرکت انقلاب اسلامی داشته‌اند، درعین حال عملکرد منفی و در تعارض با یک دولت تراز بوده اند. واکاوی این عملکردهای منفی عموماً به بی‌توجهی یا بی‌اعتنایی به رهنمودها و ایده‌های رهبری بر می‌گردد؛ درواقع عمل به رهنمودها و فرامین به‌عنوان اولویت اول برنامه‌های کاری دولت‌ها می‌توانست مؤلفه‌های درونی قدرت جمهوری اسلامی ایران را در ابعاد مختلف، ازجمله در زمینه اقتصادی ارتقاء دهد؛ برای نمونه، توصیه راهبردی که ولایت امر در زمینه کاهش وابستگی به نفت به دولت‌های سازندگی، اصلاحات، احمدی‌نژاد و اعتدال داده‌اند، در صورت عملیاتی‌شدن آن امروزه تحریم‌های اقتصادی و نفتی به‌هیچ‌وجه نمی‌توانست اقتصاد کشور را با مشکلات مواجهه سازد.

۷. نقدپذیری و برخورداری از شرح صدر: یکی از ویژگی مسئولان حکومتی از دیدگاه اسلام برخورداری از روحیه مدارا و نقدپذیری است، بهره‌گرفتن از این ویژگی مهم متأسفانه در سال‌های اخیر کم‌رنگ شده است، هرچند دولت‌مردان در گفتار از آن استقبال می‌کنند، اما تجربه نشان داده است که در مقام عمل، برای تخریب و کنارگذاشتن منتقدان و مخالفان دلسوز گام برداشته شده است. برای رفع این معضل، ضرورت دارد رئیس دولت اسلامی در مقام بالاترین شخصیت در حوزه اجرایی کشور، خود مزین به این ویژگی در گفتار و عمل باشد و کارگزاران خود را نیز به این مسیر هدایت کند.

۸. مبارزه جدی با فقر، فساد و تبعیض: دولت تراز انقلاب اسلامی با فقر و فساد و تبعیض در تعارض است. وجود این سه‌گانه، فلسفه وجودی دولت تراز را از بین می‌برد. رهبر معظم انقلاب برای پیشگیری از فساد، فقر و تبعیض از زمان آغاز دوران سازندگی هشدارهای زیادی داده‌اند که این هشدارها در دوره اصلاحات صراحت بیشتری داشت. معظم له در یکی از بیانات خود فرمودند: بنده باز هم با صدای بلند اعلام می‌کنم که مسئولان کشور - چه در قوه مجریه، چه در قوه قضاییه و چه در قوه مقننه - باید با فقر و فساد و تبعیض در این مملکت مبارزه کنند. اگر بخواهند وضع امنیت کشور را، وضع معیشت مردم را، وضع عزت بین‌المللی ما را تأمین کنند، راهش مبارزه با همین‌هاست. در صورتی که اگر رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در دوران سازندگی، اصلاحات و حتی در دوره احمدی‌نژاد و دوره اعتدال توجه جدی می‌شد؛ بی‌تردید امروز با اختلاس‌های کلان، حقوق‌های نجومی و ثروت‌های بادآورده برخی افراد و در نتیجه شیوع فساد اقتصادی و اخلاقی و شکاف برخورداران و داراها و غیربرخورداران و ندارها روبه‌رو نبودیم.

۹. مقاوم و بی‌اعتماد به دشمن: دولت اسلامی در عصر کنونی و گام دوم انقلاب و در شرایط تشدید فشار اقتصادی و تحریم و جنگ نرم دشمن که رهبری به درستی از آن به عنوان جنگ اراده‌ها نام بردند، نیازمند به افزایش ایمان خود به قدرت لایزال الهی و توکل به او، اعتماد به نفس، اعتماد به ظرفیت‌های درونی و بی‌اعتمادی مطلق به مستکبران است. اگر این معیار در انتخاب دولت‌مردان رعایت نشود، نباید انتظاری داشت که دولت‌مردان منتخب رویکرد برون‌گرایی و انفعالی در برابر فشارها و تهدیدات نداشته باشند و حل همه مشکلات را در بیرون و توسل به قدرت‌های خارجی جست‌وجو نکنند. در سالهای اخیر اعتماد به کدخدا و شرطی سازی کشور به برجام موجب آسیب‌پذیری حداکثری کشور از تحریمها و فشار حداکثری دشمنان گردید

چشم انداز تشکیل دولت تازه نفس و انقلابی

ایران عزیز به برکت انقلاب اسلامی، اکنون از یک کشور گمنام و وابسته و سرسپرده به یک کشور مستقل و قدرتمند تبدیل و توانسته در عین ایستادگی در برابر فشارها و تحریمها به بسیاری از اهداف خود دست یابد. اکنون، ادامه راه انقلاب نسبت به آنچه طی شده، دشواری‌هایش کمتر است. در مسیر اداره امور کشور، مشکل حل نشدن وجود ندارد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است، چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی

بی‌اثر خواهد شد. به‌رغم شرایط تحریم اقتصادی، مشکل اصلی در اداره امور کشور و معیشت مردم، مدیریتی است. کشور هر جا دچار مشکل شده، مربوط به عقب‌نشینی از ارزش‌های انقلابی توسط مسئولان بوده است.

تحول در عرصه دستگاه قضا و شکل‌گیری مجلس یازدهم که رهبر معظم انقلاب از آن به عنوان مجلسی انقلابی نام بردند اگر با یک دولت تازه‌نفس، جهادی و انقلابی همراه شود، می‌تواند در آغاز گام دوم انقلاب، مرحله سوم فرایند انقلاب اسلامی را محقق سازد. چراکه فرصت‌های مادی کشور در عرصه منابع معدنی و انرژی و... فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند می‌توانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی، دارای اعتماد به نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند.

ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده نشده طبیعی و انسانی در میان کشورهای برتر جهان قرار دارد. یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد (درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدّی‌گری نکردن دولت و...) برسند. دوران پیش‌رو، باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد. آنچه که رسیدن به این هدف را امکان‌پذیر می‌سازد چند دلیل زیر است:

۱- دستاوردهای ایران در عرصه‌های دفاعی، که سبب رسیدن کشور به توان بازدارندگی شده است

۲- پیشرفت‌های علمی و پزشکی کشور و انجام پروژه‌های بزرگ صنعتی نظیر طرح‌های پارس جنوبی، تأسیس پالایشگاه ستاره خلیج فارس

۳- دستاوردهای منطقه‌ای ایران، اکنون انقلاب اسلامی توانسته در منطقه راهبردی غرب آسیا، با پدید آوردن جریان‌های مقاومت و بیداری اسلامی، جمهوری اسلامی ایران را به یک قدرت منطقه‌ای، با برخورداری از نفوذ بالا تبدیل کند.

۴- شکست تفکر غریب‌گرایی در کشور که متأثر از ناتوانی وضع دولتهای غربی، به‌ویژه در مبارزه با کرونا و مهم‌تر از آن تهاجم اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و... آمریکا علیه ملت ایران است. این واقعیت سبب گردیده که برخلاف گذشته، غرب باورانی که وظیفه آنها بزرگ‌گرم در داخل کشور بود، اکنون با یک بحران مشروعیت و موجودیت مواجه شوند.

۵. شکست استراتژی‌های آمریکا علیه ایران در طول چهار دهه گذشته و به‌ویژه راهبرد فشار حداکثری آمریکا در ماه‌های اخیر که پمپئو نیز در روزهای اخیر به آن اعتراف کرده است، بیانگر حقایق مسیر انقلاب است

۶- دولت تراز گام دوم، دولتی است که این موقعیت بسیار ارزشمند را درک کرده، بتواند با تمهید مقدمات لازم ظرفیت‌های کشور را در این راستا بسیج کند. انتخابات آینده، مهم‌ترین فرصت برای تحقق این آرزو است.